

متن گزارش ارائه شده توسط رفیق خاوری به پلنوم فروردین ماه ۶۹

رفقای عزیز!

در همایش کنونی، ۲۴ نفر اعضاء اصلی و ۱۹ نفر اعضاء مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران شرکت دارند. تعداد شرکت کنندگان با اوضاع فعلی ما برای آغاز کار پلنوم کافی است. با اجازه رفقا پلنوم فروردین ماه ۶۹ را افتتاح می‌کنم.

در فاصله دو پلنوم کمیته مرکزی، جنبش ضد رژیم با فاجعه ملی کشتار جمعی زندانیان سیاسی روبرو بود. در جریان این جنایت وحشتناک ارگانهای سرکوبگر رژیم خمینی و یارانش صدها تن از مبارزان راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح را به جوخه های اعدام سپردند و یا حلق آویز کردند. در بین قربانیان این فاجعه بیش از ۱۰۰ تن از بهترین، آگاهترین و فداکارترین رفقای ما، از بین رهبران، کادرها و اعضاء دربند حزب، جان باختند. با الهام از خاطره پاک آنان، پیمان خویش را برای ادامه راهشان در دقیقه ای سکوت تجدید می‌کنیم.

در پلنوم فروردین ماه ۶۹ علاوه بر تصویب پیشنهاد تنظیم برنامه عمل سیاسی، چند سند دیگر هم به تصویب رسید. یکی از این اسناد، گزارش هیئت سیاسی به پلنوم کمیته مرکزی پیرامون مسائل سیاسی جهان و اوضاع اجتماعی-اقتصادی و سیاسی ایران بود. این سند با ۲۸ رای موافق به تصویب رسید. سند دوم که چاپ متن آن از این شماره در "نامه مردم" آغاز می‌شود با ۲۳ رای موافق تصویب شد. افزون بر این، کارپایه ای هم از جانب دو تن از رفقا ارائه شده بود که با ۲۳ رای مخالف رد شد.

سند مهم دیگر مصوب پلنوم (با ۳۵ رای موافق) مربوط به ماموریتی است که پلنوم به هیئت اجرایی داده است، از جمله در زمینه تشکیل کمیسیون های متعدد در نقاط گوناگون برای تنظیم طرح های برنامه و اساسنامه، تعیین معیارهای انتخاب نماینده برای شرکت در کنگره از سوی واحدهای حزبی، بانظرخواهی از اعضا و هواداران حزب در هر محل و بالاخره تصویب نهائی آنها از جانب کمیته مرکزی، برگزاری کنگره حداکثر طی دو سال بعد از پایان پلنوم فروردین ماه و نیز تعداد کمیسیون های هیئت اجرایی نام برد.

رفقا!

گردید، از جمله اینکه گویا هیئت دبیران نمی‌خواهد پلنوم تشکیل شود، را کنار بگذاریم، باید صریحا بگوئیم که علت اصلی تاخیر پلنوم نوبتی مشکلات مالی گردآوری حدود ۵۰ نفر

پلنوم نوبتی کمیته مرکزی که طبق تصمیم پلنوم دیماه می‌بایست بعد از ۱۸ ماه تشکیل شود، چند ماه به تعویق افتاد. اگر انواع نظراتی که برای ایجاد هرج و مرج در مهاجرت منتشر

خلقها و توازن منافع را در نظر می گیرد.

البته همه آنچه برشمرديم از جمله مسائل حل شده و مورد پذيرش همگان نيست. هنوز دانشمندان توانسته اند تئوري نسبتا كامل مسائل مطروحه در پرتو نوآنديشي را تدوين كنند. نوآنديشي هدف بسيار مهم جهان بدون سلاح هسته اي و بطور كلي سلاح هاي امحاء جمعي، ايجاد جهاني بدون کاربرد زور در مناسبات كشورها و خلقها، جهاني كه در آن به نظاميگري پايان داده شود را در برابر بشريت قرار داده است. آيا همه آنچه برشمرديم قابل اجرا ست؟ آيا مدل ساختار جهاني كه بتوان در آن در عين حال امنيت عمومي را تامين كرد وجود دارد در حاليكه ميلياردها انسان در جهان سوم در سرحد مرگ و زندگي بسر مي برند، امكان تحقق همه اين نظرات مي تواند وجود داشته باشد؟

نوآنديشي موضوع حياتي ديمقراطيه و انساني كردن مناسبات بين المللي را مطرح مي كند. آيا براي تحقق اين امر حياتي نسخه اي آماده شده است؟

در سالها و بويژه ماههاي اخير تحولات بسيار سريعي در عرصه جهاني، مخصوصا در بخش سوسياليستي آن - اروپاي شرقي - روي داده است. موضوع بود و نبود سيستم هاي اجتماعي - سياسي و ساختار دولتي و غيره در دستور روز قرار گرفت. در اينجا نيز زمينه پرسشهاي حاد نظري فراهم شده است. مثلا، آيا مي توان باز هم از وجود سيستم جهاني سوسياليسم و يا جنبش جهاني كمونيستي و كارگري سخن به ميان آورد؟

نوآنديشي مسئله بسيار مهم جايكزيني سوسياليسم ديمقراطي و انساني را بجاي سوسياليسمي كه تا كنون وجود داشته و عمل مي كرده مي كند. هدف از اين كار آنست كه بتوان فرق بين سوسياليسم دفرمه و استاليني را از سوسياليسم واقعي تشخيص داد. و همين جا مسئله نو ديگري مطرح مي شود: کدام سوسياليسم؟

قاعدا نوع اخير سوسياليسم را با انساني بودن چهره آن، ديمقراطي بودن آن، در مركز توجه قراردادن انسان، بركنار زدن دگم هاي تئوريك ساختمان سوسياليسم، هر چه نزديك تر كردن آن به واقعييت زندگي و نياز انسان، گشودن راه رشد و تكامل فعال جامعه، از كار نينداختن قوانين آزموده رشد اقتصادي - اجتماعي جوامع بشري مانند نقش مكانيسم بازار همراه با متدهاي تنظيم طبقه نقشه اقتصاد، آزاد كردن رشد نيروهاي مولده و امر توليد از موانع مصنوعي ذهني و راه دادن به آزادي عمل فردي و جمعي در کاربرد هرچه موثرتر كوشش هاي اقتصادي، ديمقراطيسم سياسي و پلوراليسم روبه گسترش و ... همراه مي كند.

در پيوند با طرح و بررسي چنين تعويض و جايكزيني است كه جواب به سئوالات زير بما در جستجوي راه خودمان در رسيدن به آزادي، رفاه، پيشرفت و عدالت واقعي كمك مي كند. چرا سوسياليسم در گذشته به منبع رشد و نمو ديكتاتوري در كشورهاي سوسياليستي تبديل گرديده بود؟ به چه علت كيش شخصيت كه تضاد ذاتي با سوسياليسم دارد جايكزين كار جمعي شد؟ چرا برخورد دگماتيكي به ماركسيسم را به برخورد خلاق ترجيح دادند؟ به چه علت قوانين اقتصادي مثلا پولوي و كالائي و يا تضاد بين نيروهاي مولده و

از رقفا بود.

ما دو روز وقت براي بررسي و اتخاذ تصميم پيرامون مسائل مربوط به تحليل اوضاع ايران و جهان و نيز معضلات دروني حزب داريم. حتما رقفا در فرصتي كه در اختيارشان بوده بخش بسيار مهم گزارش هيئت سياسي را مطالعه كرده اند و ما نيازي به خواندن آن در اينجا نمي بينيم. گزارش پيشگفته به تصويب اكثريت هيئت سياسي رسيده است. رقفا سياسي، گرم و پلوريان به گزارش راي ندادند و دليلي هم در اين باره ارائه نكردند. فقط رفيق گرم اظهار داشت كه اين گزارش نه نوآنديشي، بلكه تاريخ انديشي است.

شايان ذكر است كه به موقع خود مسائل مهم جهان و ايران در جلسه هيئت سياسي مورد بررسي قرار گرفت. تصميم گرفته شد كه بر مبناي نظرات ارائه شده، سندي تنظيم و براي نظرخواهي در اختيار همه اعضا و هواداران حزب در داخل و خارج از كشور از جمله اعضا كميته مركزي گذارده شود، چنين سندي تهيه و در اختيار رقفا قرار گرفت. اكثر رقفا از جمله اعضاي هسته هاي مخفي از روي احساس مسئوليت به سند هيئت سياسي برخورد كردند و مسائل تازه اي طرح كردند و يا خواهان توضيح پيرامون آن شدند. با توجه به خواست رقفا در سند تهيه شده، تجديد نظر جدي و همه جانبه صورت گرفت و بسياري از نظرات رقفا در سند وارد گرديد و بدينسان سند نهائي به محصول خرد و نظر جمعي تبديل شد.

علاوه بر آنچه در گزارش مي خوانيد برخي مسائل مهم سازمانی نیز وجود دارد که می بایست درباره آنها تصمیم گرفته شود. ما سعی می کنیم این مسائل را در این گزارش به نظر رقفا برسانیم.

رقفا!

يكي از مسائل عمده مورد بحث در درون حزب و جنبش چه عبارت است از چگونگي برخورد به متد، تئوري و پراتيك دگرگونسازي و نوآنديشي. در گزارش هيئت سياسي بطور عمده بر روي مسائلي تكيه شده كه حزب كمونيست اتحاد شوروي به منظور نوسازي انقلابي سوسياليسم عرضه داشته است. ما كوشيده ايم اهداف و عرصه هاي كاريست نوآنديشي در مقياس جهاني را در گزارش منعكس كنيم تا پلنوم كميته مركزي درباره آنها نظر بدهد.

براي نمونه و بخاطر اهميت ويژه موضوع مي توان از اولويت منافع همه بشري بر منافع طبقاتي، از سياست همزيستي مسالمت آميز بين نظام هاي مختلف اجتماعي - سياسي، از ايدئولوژي زدائي در مناسبات بين دولتها، از جستجوي شيوه هاي تازه مبارزه طبقاتي در شرايط نوآنديشي، از خصلت سرمايه داري و امپرياليسم و غيره نام برد. همه اينها از جمله مسائل مهم تئوريك است كه در پرتو نوآنديشي مطرح مي شود. افزون بر اين، نوآنديشي در عرصه بين المللي وحدت و وابستگي متقابل جهان، اولويت ارزش هاي همه بشري، آزادي انتخاب راه رشد اجتماعي - اقتصادي براي همه

سیر رویدادهای جهان و بطور عمده در کشورهای سوسیالیستی و نیز کشورهایی که سمت گیری سوسیالیستی را در پیش گرفته بودند - که ما درباره آنها در گزارش سخن گفته ایم - نشان داد که باید به رشد مشخص - تاریخی جامعه ایران یعنی وضعیت عینی تناسب نیروها در جامعه، سطح رشد اقتصادی و اجتماعی و نیز سن و عادات خلق های کشورمان در هنگام تعیین خط مشی سیاسی حزب بیش از پیش و فارغ از تاثیر هرنوع جزم گرائی توجه جدی مبذول داشت.

شاید به اختصار بتوان انطباق نواندیشی را بر اوضاع جامعه ما چنین بیان کرد: دوری جستن از برخورد دکماتیک به مسائل انقلاب و انتخاب راه رشد یا مدل اقتصادی در ایران.

در تعیین خط مشی سیاسی، حزب ما بر آنست که باید به استبداد مذهبی کنونی پایان داده شود و جامعه ای که در آن موازین و اصول دمکراتیک حاکم باشد، ایجاد گردد. ما خواهان استقرار یک حکومت دمکراتیک و مدافع بی چون و چرای پلورالیسم سیاسی در جامعه هستیم. ما این سیاست را در پلنوم دهم ۶۶ پذیرفتیم و باید در آینده نیز پیگیرانه از آن پشتیبانی کنیم. در ارتباط با این موضوع است که چگونگی برخورد به نیروهایی از قبیل مشروطه خواهان و نیز نیروهای سیاسی - مذهبی، حتی آن افرادی که هم اکنون در حاکمیت دست اندرکاراند، در گزارش هیئت سیاسی مطرح می گردد.

بطور کلی در سالهای اخیر حزب توده ایران یکی از پیگیرترین نیروهایی بوده است که سیاست اتحاد و همکاری برای دستیابی به دمکراسی و صلح را در کشور مصرانه تبلیغ، تشویق و اعمال کرده است. این آن آکسیری است که راه بهبود دردهای موجود جامعه ما را می گشاید.

دیگر اینکه، ما باید در همین پلنوم به برخی از ابهامات موجود در زمینه دیکتاتوری پرولتاریا، هژمونی طبقه کارگر و برخی مقولات مشابه پایان بدهیم. بویژه آنکه هیئت سیاسی مسئله تغییر برنامه و اساسنامه را بنابر ضرورت زمان در دستور روز پلنوم قرار داده است.

پلنوم کمیته مرکزی باید به گونه ای روشن نظر خود را در شرایط مشخص کنونی که در راه استقرار حکومت دمکراتیک به معنای منعکس کننده اراده واقعی مردم مبارزه می کند، نسبت به موانع اجرای دمکراسی در کشورما بیان کند.

گزارش هیئت سیاسی، پلورالیسم اقتصادی را با فرمولی که ارائه کرده برای کشور بهترین راه شتابان سازی رشد اجتماعی - اقتصادی در مرحله کنونی می داند و براین باور است که در شرایط وجود یک حکومت دمکراتیک متکی بر اراده مردم می توان از این راه زندگی میلیونها تن از زحمتکشان را بهبود بخشید و مشکلات عظیم آنها را تا اندازه ای حل کرد. ما امیدواریم که رقباتی شرکت کننده در پلنوم به ظرافت و اهمیت موضوع توجه ویژه مبذول دارند.

از آنجا که هیچ حزبی بدون برنامه در زمینه های مختلف اجتماعی - اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ... نمی تواند باشد، ما پیشنهاد می کنیم تا آماده شدن برنامه جدید حزب، که باید روی

مناسبات تولیدی و ضرورت حل آنها در سوسیالیسم بدست فراموشی سپرده شد؟ اندیشیدن درباره این پرسشها ضرورت حیاتی دارد. در این محدوده، قبل از هرچیز ما باید با انعطاف پذیری و کنار گذاردن هرگونه دکماتیسم و مظاهر آن، راه رسیدن به هدف عالی انسانی را در کشور خود پیکاری کنیم. باید دقیقاً بدانیم پس از گذار از کدام مراحل و با چه شیوه هایی می توان در طی این راه موفق بود. به این سوال هم باید اندیشید که موضع گیری هر لحظه ما با اطلاعات کافی همراه است یا باز بر پایه اعتماد، گفته ها و ارزیابی های ناصحیح دیگران را قبول کرده و تکرار می کنیم. این نظر نیز که دوستان ما در کشورهای سوسیالیستی از طریق اعمال دیکتاتوری در آغاز به نام پرولتاریا و سپس به نام عموم خلق چیزی ساختند که خود آن را در بهترین حالت سوسیالیسم دفرمه می نامند و نمونه سوسیالیسم ساخته و پرداخته مورد قبول ما هم وجود ندارد که از راه اعمال دمکراسی ساخته شده باشد. آیا اصولاً می توان سوسیالیسم را به معنای جامعه بدون طبقه و عاری از استثمار از طریق دمکراسی ساخت؟ حزب در هدف گیری برای دسترسی به آرمان استراتژیک خود باید به این پرسشها هم جواب علمی و کاملاً مسئولانه بدهد.

اینها و مسائل بسیاری از این دست نیاز به پاسخ های روشن دارند. دانش اجتماعی گذشته و سالیان دراز در کشورهای سوسیالیستی تدوین شده بود و ما نیز در اصول از آن استفاده می کردیم فرومی باشد و دانش اجتماعی جایگزین آن هنوز بوجود نیامده است. حرف برسر آنست که درک نوین، و مقولات نوین پیرامون رویدادهای سالهای اخیر یا وجود ندارد و یا هنوز جایی برای خود باز نکرده اند. هنوز حتی کسی به این پرسش که همزیستی مسالمت آمیز در شرایط کنونی دارای چه مضمون و کیفیتی است و چگونه می توان به آن دست یافت پاسخ دقیقی نداده است. هنوز در اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا این موضوع که از بین بردن همه سلاح های اتمی، نه امکان پذیر است و نه به سود آنها، مورد بحث است.

نمونه زنده دیگر، تعدادی از دانشمندان می گویند که همزیستی مسالمت آمیز اندیشه کهنه شده ای است. زیرا این اصل زائیده مقابله صورتبندی های مختلف بوده و بنابراین کارآئی خود را در شرایط کنونی مناسبات صورتبندیها و زدوده شدن تاثیر ایدئولوژیک در مناسبات دولتها، از دست داده است و باید بآبرخورد متمدنانه تعویض گردد. اما اینکه برخورد متمدنانه چگونه باید باشد، هنوز پاسخ تا پایان قانع کننده ای پیدا نکرده است.

در این میان، ما به عنوان انسانهای متعلق به جهان سوم نمی دانیم که معضل مناسبات جهان رشد یافته با جهان سوم در پرتو اعمال اصل نواندیشی چگونه خواهد بود؟ و تحول مناسبات آنها در چه جهتی سیر خواهد کرد. جهان سوم چگونه و با درپیش گرفتن چه راه رشدی می تواند از منکنه واپس ماندگی که امپریالیسم بزرگترین مقصر آن است نجات یابد و در زمره کشورهای متمدن به معنای کنونی قرارگیرد؟ آیا خودما نباید در این باره بیاندیشیم؟

لازم بود، اما کافی نیست. حزب باید علل و عوامل اشتباهات گذشته و از جمله مباحث آزادی، راه رشد و سیاست اتحادها را دقیقاً مورد بررسی قرار دهد. چنین بررسی ای از سوئی برای تدوین برنامه و اساسنامه جدید ضرورت دارد و از سوی دیگر دارای اهمیت سازمانی است.

بدون اغراق باید گفت که پلنوم هجدهم حزب گامی، گرچه کوچک، در زمینه اصلاح اشتباهات برداشت. در کنفرانس ملی و نیز در جریان تدارک تدوین برنامه جدید حزب گام های مثبت دیگری در زمینه جلوگیری از تکرار اشتباهات برداشته شد. متأسفانه باید گفت که روح حاکم بر موضع گیریهای نیروهای چپ ایران در آن ایام نمی توانست بر تصمیمات ما موثر نیفتد. در اینجا رفقائی نشستند که زمانی شعار سرنوینی رژیم را آنهم فقط و فقط با توسل به مبارزه مسلحانه مطرح می کردند و هیچ راهی جز تشکیل جبهه واحد با هژمونی حزب و یا سازمان طبقه کارگر تن نمی دادند. رفقائی در اینجا هستند که نیروهای چپ و بورژوازی را متهم می کردند که چون فاقد برنامه هستند، نمی توان ماهیت آنها را شناسائی کرد و مآلاً نمی توان با آنها در جبهه واحد حول شعار آزادی و صلح متحد شد. چنین برخوردی جز تکرار اشتباهات گذشته نیست.

بررسی دقیق اشتباهات گذشته از آن نظر اهمیت دارد که می تواند ما را از راست روی و چپ روی بازدارد. همه این مسائل با تئوری و پراتیک نواندیشی پیوند تنگاتنگ دارد. متأسفانه باید گفت که گروهی از "نواندیشان" ما به هر علتی از اینگونه مسائل سرنوشت ساز دوری می جویند.

ما گفتیم که پس از ضربات وارده، رهبری حزب کوشید تا در تعیین خط مشی سیاسی از خرد جمعی یاری گیرد. این خود تجلی دموکراسی درون حزبی بود. "نامه مردم"، ارگان کمیته مرکزی حزب، در راه اجراء رهنمودهای کمیته مرکزی در دهها مقاله اساسی ضرورت آزادی بیان نظرات را در درون حزب تأکید کرده است. حزب بارها خاطر نشان ساخته که اعضا و هواداران حزب باید دارای روحیه ابتکار باشند و به ادامه مبارزه در داخل کشور در شرایط بسیار دشوار و سخت کمک کنند.

رهبری حزب با سازمان دادن کنفرانس ملی، با وجود نواقص آن، گام دیگری در ترمیم رهبری جمعی برداشت. بدون شک کنفرانس ملی کمبودهای کمی نداشت. مهمترین کمبود انتخابی نبودن شرکت کنندگان در کنفرانس بود. طبیعی است که این عمل در تضاد با مرکزیت - دموکراتیک قرار داشت. اما، آیا در شرایط کار مخفی راهی جز این وجود داشت؟ پاسخ برخی از رفا این است که اعضا حزب در مهاجرت مخفی نیستند و می توانند و باید نمایندگان خود را در کنفرانس ها انتخاب کنند. این نظر گرچه شامل همه مهاجرت نمی تواند باشد، منطقی است. اما، برای عمل به این پیشنهاد، حتماً باید دو معیار یکی برای مهاجرت و دیگری برای داخل یعنی برای هسته های مخفی انتخاب کرد. آیا می توان چنین کاری را انجام داد؟ ما در این باره به تفصیل سخن خواهیم گفت. در اینجا طرح نظرات مربوط به مسئله مرکزیت - دموکراتیک که در جنبش کمونیستی و کارگری مورد بحث است، ضرورت دارد.

ادامه دارد

آن کار جدی انجام گیرد، در این جلسه برنامه عمل کوتاه مدتی تنظیم شود. این برنامه در صورت موافقت می تواند پاسخگوی مسائل مطروحه در گزارش باشد. در عین حال هیئت سیاسی تغییر اساسنامه را نیز به پلنوم کمیته مرکزی پیشنهاد داده است. رفقاً می دانند بند نخست اساسنامه حزب مسئله جهان بینی آن را مطرح می سازد. در هیئت سیاسی نظرات مختلفی پیرامون مسئله جهان بینی مطرح گردید و مورد بحث قرار گرفت. هستند رفقائی که اصولاً خواهان حذف جهان بینی مارکسیستی - لنینیستی از برنامه هستند. رفیقهای بجای آن اصطلاح "جهان بینی علمی" را مطرح می سازد. پلنوم کمیته مرکزی باید هر دو موضوع را مورد بحث قرار دهد. باید تذکر داد که حذف جهان بینی مارکسیستی - لنینیستی از برنامه حزب توده ایران در حال حاضر به معنای از دست دادن هویت حزبی خواهد بود که در جامعه به عنوان یک حزب طرفدار سوسیالیسم شناخته شده و اصولاً فرقی با دیگر سازمانها و احزاب نیز در همین جا نهفته است.

در عین حال، ما در جامعه ای زندگی می کنیم که در آن میلیونها انسان با مذاهب گوناگون زندگی می کنند. سنت مذهبی بویژه در میان مسلمانان، اهم از شیعه و سنی، بسیار جاافتاده است. بدیهی است که حزب ما باید این مسئله بسیار مهم را نیز در نظر گیرد. در این زمینه دو پیشنهاد زیرین به بحث گذارده می شود:

۱- در برنامه جدید بجای "جهان بینی" نوشت: "حزب توده ایران در راه ساختمان سوسیالیسم دموکراتیک و انسانی مبارزه می کند و این نیز هدف درازمدت حزب است".

۲- در اساسنامه صریحاً گفته شود که "باورمندان همه مذاهب و ادیان بدون استثناء می توانند به عضویت حزب توده ایران در آیند و عضویت آنها در حزب هیچ تضادی با ساختمان جامعه سوسیالیستی که هدفش تأمین سعادت انسان خواهد بود ندارد".

رفقا!

چنانکه اطلاع دارید نظرات رنگارنگی با فرمولهایی در مواردی بی محتوا درباره "بحران عمیق" در حزب مطرح می شود. بدون تردید بحران در حزب توده ایران نمی تواند وجود نداشته باشد. اما، این بحران آن نیست که پاره ای می خواهند برای بهره گیری غیراصولی ارائه دهند.

حزبی که پس از انقلاب در نتیجه یک سلسله اشتباهات بزرگ با فاجعه سنگینی روبرو گردید، نمی تواند مدعی عدم بحران در درون خود باشد. آری رفقاً، ما مرتکب اشتباههای اصولی سیاسی و سازمانی در فعالیت علنی پس از انقلاب شده ایم که هنوز بطور جامع مورد بررسی قرار نگرفته اند. کنفرانس ملی نخستین گام در این راه را برداشت. این گام در شرایط آن ایام